ادامه از صفحه اول

سخنی با سردار حاج‌قاسم سلیمانی

۳. حالا سخن خود را با همشهری بسیار عزیز و گران‌قدرم، قاسم سلیمانی، به اختصار می‌گویم که آنچه این سردار رشید با «ترامپ» گفته است، سخن دل هر ایرانی آزاده‌ای است، اما حرف من این است که یک نظامی، وقتی سخن می‌گوید، در فضای «نظامی» و «جنگ» سخن می‌گوید و به نظر بنده، ما درحال‌حاضر در «فضای سیاسی» و «دیپلماسی» قرار داریم و این دشمن است که از جنگ سخن می‌گوید که ما را تحریک کند و به عکس‌العمل وادارد... . بر نظامیان است که درحال‌حاضر دندان روی جگر بگذارند و گوش به فرمان فرمانده کل قوا باشند و هرگاه معظم‌له با سنجیدن همه شرایط و اوضاع و احوال به نظامیان اجازه رسمی و علنی دادند که حرفی بزنند یا اقدامی کنند، آنگاه نوبت به این مدافعان جان‌برکف دین و وطن می‌رسد. دست برادرم قاسم سلیمانی را می‌بوسم... .

حمله به نفت‌کش عربستان واقعی یا جعلی؟

که در خبری از نوع حمله حوثی‌ها به کشتی‌های حامل نفت درباب‌المندب، این تنگه می‌توانست یکی از آن تنگه‌هایی باشد که رئیس‌جمهور وعده بسته‌شدن آن را داد. جای شکرش باقی است مسئولان کشور در دام این خبر جعلی نیفتادند و هرچند در آغاز این توهم پیش آمده بود که عرضه نفت قبل از قطع نفت ایران، دچار اشکال خواهد شد و دست ایران در این واقعه از آستین حوثی‌ها بیرون آمده است؛ اما نفت به مثابه خون در رگ جهان صنعتی عامل حیات و ثبات است و اگر آسیب ببیند، جهان به خاموشی خواهد رفت. باید آگاه بود و شرایط را رصد کرد، زمان صحبت‌های نسنجیده گذشته است. نمی‌توان سرنوشت کشور را به حرف نسنجیده این و آن گره زد. اداره کشور مسئول دارد و این مسئولان هستند که با تکیه بر اطلاعات واقعی باید تصمیمات درست را در شرایط حساس بگیرند. ترامپ در قصه ایران بوفالویی زخمی را می‌ماند که با پرچم قرمز ایران روبه‌رو شده و زحمت شکست‌های خود را ناشی از حرکت ایران می‌داند. خشم او را از توییت‌هایی که درباره ایران منتشر می‌کند، بعینه می‌شود حس کرد. نمی‌گویم در مقابل رجزخوانی‌های ترامپ و تیم ضدایرانی کاخ سفید از پمپئو گرفته تا جان بولتون، واکنش نشان داده نشود. گفته‌های پمپئو و ترامپ تکرار گفتمان گروه‌های خارج‌نشین است و نکته تازه‌ای ندارد. اواخر دولت صدام، تیم احمد چلبی در واشنگتن به جعل تلگراف‌هایی از قماش تلگراف منسوب به وزیر امور خارجه آلمان مشغول بودند و با دادن اطلاعات غلط ذهن آمریکاییان را آماده حمله به عراق کردند و آمریکاییانِ تشنه حمله به مناطق نفت‌خیز، یک بار از خود نپرسیدند که عراق تولیدکننده سلاح‌های کشتارجمعی نیست بلکه باید این سلاح‌ها یا وسایل اولیه آن را از غرب وارد کرده یا از شوروی آن زمان خریداری کند؛ کافی است اطلاعات تجاری عراق را داشته باشند. اما آمریکای حریص به جنگ، وارد عراق شد و شد آنچه که نباید می‌شد. امروزه تیمی در کاخ سفید ماشین سیاست داخلی و خارجی آمریکا را به چرخش وا می‌دارد که مشاور عالی شورای امنیت آن جان بولتون، در اجتماع منافقین در پاریس گفته بود: سال آینده این اجتماع را در تهران خواهیم داشت. باید آگاهانه به مسائل نگاه کرد. اتحاد و اتفاق داخلی که می‌رود با رفع برخی محدودیت‌ها جانی دوباره بگیرد، به‌همراه اولویت‌دادن کامل به منافع مردم ایران برای زندگی بهتر، راه عبور از این چالش‌هاست.

حرکت مستانه دلار در سکوت دولت

مقاومت در مقابل این حق، به معنای نادیده‌انگاشتن و پایمال‌کردن آن است. دولت اگر معتقد است در برابر حل مشکلات و معضلات اقتصادی ناتوان است، باید صراحتا در پیشگاه مردم این ناتوانی را اعلام کرده و عذرخواهی کند. اگر هم معتقد است عوامل و شرایط داخلی و خارجی، مانع از سیاست‌گذاری و اقدام مؤثر آن برای مدیریت کشور است و کاری از دست آن برنمی‌آید، به‌صراحت با مردم در میان بگذارد و صحنه را ترک کند تا مردم تکلیف خود را بدانند. در شرایط کنونی با وجود انتظار بالای افکار عمومی به تغییر تیم اقتصادی دولت، در برابر آن مقاومت می‌شود. رئیس کل بانک مرکزی نه‌تنها تغییر نمی‌کند، بلکه با پایان مدیریت پنج‌ساله‌اش، از این سمت کنار می‌رود. رئیس سازمان برنامه و بودجه که خود اصرار به کناررفتن دارد، می‌ماند. در این راه حتی اگر لازم باشد باید کل دولت استعفا دهد تا زمینه برای یک همفکری مجدد درباره مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور فراهم شود. یا مخالفان دولت که از هر اقدامی برای فلج‌کردن آن در این سال‌ها استفاده کردند، به قدرت می‌رسند و وزن آنها برای مدیریت شرایط کنونی محک می‌خورد یا اینکه دولتی جدید با پشتوانه اجتماعی بیشتری روی کار می‌آید و به رتق‌وفتق امور می‌پردازد. واقعیت این است که در شرایط کنونی اعتماد عمومی به دولتمردان و نظام تصمیم‌گیری کشور به سطح پایینی در دهه‌های اخیر رسیده و این خطری جدی برای کشور است.

نقش «وطن امروز» در ویدئوی نتانیاهو

شرق: بنیامین نتانیاهو در تلاش است تا یک ویدئوساز حرفه‌ای درباره ایران شود؛ اگرچه برای این کار هنوز راه زیادی باقی مانده است، اما ویدئوهایش نشان می‌دهد که او مشاوران خوبی دارد. ویدئوی جدیدش که داستان خیالی دختری به نام فاطمه را روایت می‌کند، نشان می‌دهد که او مشاوران مسلطی به شرایط فعلی ایران دارد؛ مشاورانی که پارک هرندی و گشت ارشاد را می‌شناسند، کیک یزدی خورده‌اند و روزنامه وطن امروز می‌خوانند.

روز گذشته بار دیگر ویدئویی از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل منتشر شد که پشت میزش نشسته است و به قول خودش «قصه پرغصه» دختری به نام فاطمه را تعریف می‌کند؛ دختری که در روایت نتانیاهو از حجاب ناراضی است و از گرانی و فضای تلویزیون نیز شاکی است. اما دخترک قصه نتانیاهو با خواندن روزنامه وطن امروز می‌فهمد که پول‌های مملکت خرج چه چیزی می‌شود؛ «خرج سوریه و جنگ در این کشور»؛ آنچه در ماه‌های گذشته به استراتژی مشترک اسرائیل و آمریکا تبدیل شده است. اگرچه این‌بار مطلب روزنامه وطن امروز در ویدئوی نخست‌وزیر اسرائیل بازنشر شده است، این اولین‌بار نیست که این روزنامه‌ها به مقامات اسرائیل و آمریکا پاس گل می‌دهند. بارها در دوران مذاکرات هسته‌ای چنین اتفاقی از سوی کیهان و وطن امروز تکرار شده است. نمونه خیلی فاحش آن زمانی بود که این روزنامه‌ها، متن صحبت‌های پیاده‌شده از روی نوار ظریف درباره مذاکرات را در جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی با همکاری کریمی‌قدوسی منتشر کردند و یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده در واکنش به آن اقدام این سؤال را مطرح کرد که اگر سازمان سیا می‌خواست به متن چنین صحبت‌هایی دست پیدا کند، چقدر باید هزینه می‌کرد؟ البته نمونه دیگر از پاس گل این جریان را می‌توان در ماجرای گفته‌های مجتبی ذوالنور، نماینده قم دید که هم‌راستا با این روزنامه‌ها است؛ او مدعی شده بود که آمریکا در جریان مذاکرات برجام به تعدادی از فرزندان مقامات ایرانی اقامت آمریکا اعطا کرده است. این گفته‌ها در شبکه نزدیک به جنگ‌طلبان آمریکایی یعنی، فاکس‌نیوز منتشر شد و پس از آن دستمایه توییت دونالد ترامپ شد. البته پس از جنجالی‌شدن ادعای ذوالنور مقامات مربوطه سخنان او را دروغ دانستند. پیش‌تر نتانیاهو ویدئویی درباره بحران آب در ایران تهیه کرده بود و مدعی بود که ایران می‌تواند از تجارب اسرائیل در این زمینه استفاده کند. او درباره بازی فوتبال تیم ملی ایران مقابل پرتغال که هم‌زمان با یک‌سری اعتراض‌ها به بحران‌های ارزی بود هم ویدئویی منتشر کرده بود. سخنگوی وزارت خارجه ایران روز گذشته درباره این ویدئو گفته است: «نباید به این‌گونه رفتارها توجهی کرد، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دستش به خون ملت فلسطین آلوده است و برای فرار از این جنایت‌هایی که مرتکب شده است، به یک‌سری ادعاهای بی‌ربط و بی‌اساس علیه ایران متوسل می‌شود».

پزشکی قانونی استرالیا:

مرگ پناه‌جوی ایرانی قابل پیشگیری بود

شرق: پزشکی قانونی استرالیا می‌گوید مرگ پناه‌جوی ایرانی در اردوگاه نگهداری پناه‌جویان، قابل پیشگیری بود. این پناه‌جوی ۲۴ساله، حمید خزایی نام داشت که چهار سال پیش در پی عفونت خونی و مرگ مغزی درگذشت. او یکی از پناه‌جویانی بود که در جزیره مانوس، در پاپوا گینه‌نو نگهداری می‌شد. مرگ این جوان به دلیل زخم پا و سرایت عفونت به همه بدن رخ داد. او در نتیجه عفونت شدید سکته قلبی کرد و در نهایت دچار مرگ مغزی شد.

حالا یعنی چهار سال بعد مقامات ایالت کوئینزلند در استرالیا می‌گویند که مرگ حمید خزایی، پناه‌جوی ایرانی، «کاملا اجتناب‌پذیر» بوده است. تری رایان، از پزشکان پزشکی قانونی ایالت کوئینزلند، روز دوشنبه با انتشار نتیجه رسمی تحقیقاتش درخصوص مرگ این پناه‌جوی ایرانی، گفت که «یک رشته از اشتباهات بالینی و همچنین مشکل در ارتباط (بین مقامات مسئول) باعث شد که انتقال (آقای) خزایی به استرالیا با تأخیر صورت پذیرد». به نوشته بی‌بی‌سی، رایان گفته است که اگر وخیم‌ترشدن وضعیت آقای خزایی در زمان مناسب تشخیص داده می‌شد و وی در ۲۴ ساعت به استرالیا منتقل می‌شد، ممکن بود زنده بماند. در آن زمان وزیر امور پناهندگان استرالیا از مراقبت‌های پزشکی ارائه‌شده به حمید خزایی دفاع کرد.

راهی اردوگاه می‌شوید

در سال‌های گذشته پناه‌جویان زیادی از ایران و کشورهای دیگر به قصد دریافت اقامت از استرالیا با روش‌های مختلف غیرقانونی وارد این سرزمین دور شدند اما استرالیا که وارد دوران سخت‌گیری در پذیرش پناه‌جویان شده بود، آنها را به اردوگاه‌هایی در پاپوا گینه‌نو فرستاد. پیش‌تر قانون استرالیا در مورد مهاجران این بود که هر کسی پا به خاک این کشور بگذارد، می‌تواند اقامت استرالیا را دریافت کند؛ همین قانون و شرایط بد خاورمیانه موجب شد تا از کشورهای متفاوتی به این سرزمین پناه برده شود. این در حالی است که از تیرماه سال ۹۲، قوانین مهاجرتی در استرالیا تغییر کرد و سخت‌گیرانه شد.

آنها با تغییر قوانین مهاجرتی و به تبع آن مشکلاتی که در کشور با توجه به افزایش مهاجران پیش آمده بود، همه پناه‌جویانی را که با قایق و از طریق آب‌های اندونزی و مالزی به این کشور وارد می‌شدند، به اردوگاه‌های پناه‌جویان می‌فرستادند. این اردوگاه‌ها در کشور پاپوا گینه‌نو بود و انجام فرایند اداری پذیرش یا عدم پذیرش آنها گاه تا دو سال به طول می‌انجامید. اردوگاه‌هایی با کمترین امکانات، اتاقک‌هایی قفس‌مانند و در ردیف‌هایی منظم که تصویری از زندان را به ذهن متبادر می‌کرد. شرایط نامناسب اردوگاه‌ها گزینه بازگشت به کشور یا اقامت در پاپوا گینه‌نو را مقابل پناه‌جویان می‌گذاشت. با این حال بسیاری از پناه‌جویان در انتظار دریافت اقامت از سیدنی ماندن در این اردوگاه‌ها را ادامه می‌دهند. استرالیا به صراحت اعلام کرده که به هیچ وجه به مهاجران غیرقانونی اقامت نمی‌دهد.

سفیر وقت استرالیا در ایران در سال ۹۲ در مصاحبه‌ای با «شرق»، در مورد سیاست مهاجرتی کشورش توضیح داد که «اگر کسی موفق شد با استفاده از قایق‌های کوچک به استرالیا بیاید و ادعای پناه‌جوی سیاسی را مطرح کند، اول بازداشت خواهد شد و در بازداشتگاه‌های مقررشده، نگهداری می‌شود. جدیدا تغییری در قوانین مهاجرتی استرالیا ایجاد شده است؛ از تاریخ ۱۹ جولای (۲۸ تیر) اگر فردی با قایق و بدون ویزا به استرالیا وارد شود، به کشور «پاپوا گینه‌نو» فرستاده می‌شود یا در یکی از کشورهای دیگری که با استرالیا در این زمینه مشارکت دارند، جا داده می‌شود. در مورد زنان و کودکان هم این قانون صدق می‌کند. ما می‌خواهیم با این کار جلوی مهاجرت غیرقانونی به استرالیا را بگیریم. پیغام این سیاست این است که لطفا زندگی خود را به خطر نیندازید و از طریق غیرقانونی و با قایق به سمت استرالیا حرکت نکنید، چون با این روش با جنایتکاران روبه‌رو می‌شوید و به جای اینکه به خاک استرالیا برسید، به «گینه نو» فرستاده می‌شوید». اردوگاه مانوس یکی از بزرگ‌ترین محل‌های اقامت پناه‌جویان اما در این سال‌ها اتفاقات ناخوشایندی را هم تجربه کرده است. تجربه درگیری‌های گسترده و خونین و حتی درگیری با محلی‌ها. در یکی از همین درگیری‌ها بود که یک جوان ایرانی به نام رضا براتی کشته شد.

مرگ در شرایط انسانی!

همان زمان سفیر استرالیا در مورد وضعیت اردوگاه‌ها در مصاحبه‌ای گفته بود «شرایط در این مرکز بسیار انسانی است و با استانداردهای بین‌المللی همخوانی دارد. پناه‌جویان به غذا، خدمات بهداشتی، پزشک و روان‌پزشک دسترسی دارند، آنها امکاناتی هم برای تفریح و تماس‌گرفتن با خانواده خود دارند، البته اگر نیاز باشد این امکانات گسترش پیدا می‌کند تا جوابگوی همه باشد». با این حال در همین اردوگاه‌ها مواردی از خودکشی، خودسوزی و درگیری مشاهده شده که مرگ حمید خزایی بر اثر عفونت زخم یکی از این موارد است. موردی که پزشکی قانونی می‌گوید قابل پیشگیری بود. سازمان ملل و گروه‌های حقوق‌بشری در سال‌های گذشته به این سیاست‌ها اعتراض کرده‌اند اما استرالیا می‌گوید که هدف این تدابیر جلوگیری از سفرهای خطرناک دریایی پناه‌جویان با قایق‌های غیرمجهز است.

ادامه از صفحه ۶

آنها که امروز می‌روند، چه زمانی آمده بودند؟

از سوی دیگر و به همین منوال، همان افراد و کانون‌های ذی‌نفوذ به تمام انحای مختلف تلاش کردند که قراردادهای بزرگ و مهمی که در نتیجه برجام می‌شد حاصل شود، دستخوش کارشکنی شده و به تأخیر بیفتند. به‌عنوان مثال اگر آن فشارها بر روی قراردادهای جدید نفتی وارد نمی‌آمد و بعد از این‌همه وقت به جای یک قرارداد با توتال، ۱۰ قرارداد بزرگ نفتی با شرکت‌های بزرگ نفتی دنیا از کشورهای مختلف داشتیم، آیا آمریکا می‌توانست امروز به همین سادگی بر همه آنها فشار بیاورد و همه را وادار به خروج از ایران کند؟ اگر این میزان کارشکنی بر سر یک موضوع فنی مالی و بانکی و ربط‌دادن رطب و یابس برای ممانعت از خروج کشور از لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف صورت نمی‌گرفت و کشور می‌توانست در پرتو فضای مثبت بین‌المللی که وجود داشت، در همان اوایل اجرائی‌شدن برجام از این لیست سیاه خارج شود و روابط پولی و بانکی با تمام کشورها - غیر از آمریکا - به وضع عادی درآید، آیا انتفاع کشور از فضای ایجادشده به نحو چشمگیری مضاعف نمی‌شد؟ آیا با اصلاح سیستم بانکی و پولی کشور (موضوع لوایح ارائه‌شده به مجلس) و افزایش بهداشت پولی و مالی و شفافیت‌ها، از چنبره فساد عظیمی که امروزه گریبان‌گیر اقتصاد کشور شده است، زودتر رهایی نمی‌یافتیم که وضع‌مان این نباشد که امروز هست؟ اینها همه همان «کفر نعمت»هایی است که دکتر ظریف از آن سخن می‌گوید. شکر نعمت یا کفران نعمت براساس آموزه‌های دینی ما به لسان نیست؛ بلکه به اعمال و رفتار است. از سوی دیگر اعتقاد قرآنی و دینی ما مسلمانان این است که «انّ اللّه لا یغیر ما بقوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم». آنچه بر ما فرود می‌آید، از نعمت و نقمت، از عمل خود ما است. غفلت از فرصت‌ها و مشغولیت به ملاحظات بی‌ارزش سیاسی و جناحی و استفاده‌نکردن از فرصت‌ها و نعمات بزرگ‌ترین مصداق کفران نعمت است و عذاب خداوند را به دنبال دارد و این عین سنن الهی است. بگذریم از تعبیر «من عندی» و نسبتا کودکانه نویسنده محترم روزنامه جوان که تصور می‌کند نزول عذاب از سوی ملائکه مقربین، صرفا در فرود صواعق و باران سنگ و ملخ و بادهای سرخ و سیاه خلاصه می‌شود و گویی خداوند متعال منعی از استفاده از اسباب دیگر - ازجمله از طریق انسان‌های پلیدی مانند ترامپ و نتانیاهو - دارد. فراموش نکنیم که «ان الله یابی ان تجری الامور الا باسبابها».

سخنگوی وزارت خارجه:

امکان گفت‌وگو با آمریکا وجود ندارد

بهرام قاسمی دیروز در نشست خبری به پرسش‌های مختلفی پاسخ داد؛ سؤالاتی درباره مذاکره با آمریکا و احتمال میانجیگری عمان در این رابطه، سفرایی که گفته شد دوتابعیتی هستند و احتمال جنگ با آمریکا. بخش‌های مهم صحبت‌های سخنگوی وزارت خارجه در این نشست را به نقل از «ایسنا» در ادامه می‌خوانید.

● سفر بن‌علوی، وزیر خارجه عمان، به آمریکا: از محتوای مذاکرات و اهداف سفر آقای بن‌علوی به آمریکا اطلاعی ندارم. روابط تهران و عمان به صورت مستمر و متمادی است، با یکدیگر روابط خوبی داریم و در تماس دائم با یکدیگر هستیم. آقای ظریف نیز در هفته‌های قبل سفری به عمان داشتند. من ارتباط و پیوستی بین این سفرها نمی‌بینم.

● مذاکره بین ایران و آمریکا: آمریکا هر روز نشان می‌دهد که غیرقابل‌اعتماد است. با این آمریکا و سیاست‌هایی که در پیش گرفته، قطعا امکان تعامل و گفت‌وگو وجود نخواهد داشت.

● احتمال دوتابعیتی‌بودن بعضی از سفرا: مگر فرد دوتابعیتی سفیر می‌شود؟ بحث دوتابعیتی در کشور بحث عجیبی شده و برخی بعضا ناآگاهانه اقدام به انتشار فهرست و عدد و ارقام در این زمینه کردند، درحالی‌که نهادهای امنیتی این لیست‌ها را تکذیب می‌کنند.

● دوتابعیتی‌بودن پروین فرشچی، سفیر جدید ایران در فنلاند: این یک موضوع دروغ بود و به‌طورکلی کسانی که در کشور از مسئولیتی برخوردار می‌شوند، قبل از دریافت حکم در مورد آنها تحقیق می‌شود و ما بین افراد وزارت خارجه و سفرا چنین چیزی را نداریم.

● دادن سلاح به طالبان و ادعای یکی از رسانه‌های آمریکایی مبنی‌بر آموزش نیروهای طالبان در ایران: من چنین چیزی را تکذیب می‌کنم، چنین چیزی وجود ندارد. تجهیز نیروهای افغانستان؛ چه از طالبان یا دیگر گروه‌ها در این کشور در برنامه کاری ایران نیست. تمام تلاش ایران این است که افغانستان به‌عنوان یک کشور همسایه، باثبات، امن و توسعه‌یافته باشد.

● آخرین وضعیت اسدالله اسدی، دیپلمات ایرانی که در آلمان به اتهام تلاش برای انجام بمب‌گذاری در نشست منافقین در پاریس دستگیر شد: ایشان دیپلمات ایران در وین هستند که در ایام مرخصی‌شان به همراه فرزندان و همسر خود به آلمان رفته بودند و در آنجا دستگیر شدند. ایشان هنوز در زندان هستند. پیگیری ما از مقامات آلمان در مورد وضعیت ایشان ادامه دارد و امیدواریم هرچه زودتر این سوءتفاهم برطرف شود.

● ارتباط حمله اخیر انصارالله به نفت‌کش عربستانی در باب‌المندب با ایران: با وجود نگاه سازنده و مثبتی که ایران با همسایگان خود دارد، ایشان (وزیر خارجه امارات) هرازچندگاهی سخنان بی‌ربطی مطرح می‌کند. این سخنان در حد و اندازه ایشان نیست. این کشور در این حد و اندازه نیست که بخواهد این درشت‌گویی‌ها را انجام دهد و مشکلات و معضلاتی را که توسط این کشور و شریکش (عربستان) در یمن رخ داده است فرافکنی و بخواهد پای دیگران را به این صحنه باز کند.

● شکایت ایران از آمریکا در دادگاه لاهه: ما برای صیانت از منافع کشورمان از همه ابزارهایی که بتوانیم استفاده می‌کنیم و باید دید که سیر قضائی و حقوقی این پرونده چگونه طی خواهد شد. باید کمی صبور بود، چراکه یک بحث حقوقی است و بحث‌های حقوقی مدتی زمان‌بر است و امیدواریم نهایتا ما بتوانیم به نتایج مطلوب دست پیدا کنیم.

● در مورد زمان تحویل بسته پیشنهادی اروپا به ایران و اینکه آیا این بسته پیش از ۱۵ مرداد، آغاز دور اول تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران، ارائه می‌شود: تماس‌ها و مذاکرات جدی بین ما و طرف‌های اروپایی و همچنین طرف‌های اروپایی با ایران ادامه دارد. خوش‌بینی‌هایی وجود دارد. در کلیات علائم مثبتی دیده می‌شود و گام‌هایی رو به جلو برداشته شده است. جزئیاتی باقی مانده که توسط هیئت‌های کارشناسی دنبال می‌شود و امیدواریم به شرایط مطلوب در زمان مقتضی دست پیدا کنیم و بتوانیم در یک دور جدید از همکاری‌ها و روابط گام‌های بلندتری را برای تعمیق روابط با اروپا که یکی از شرکای ماست، برداریم.

● احتمال وقوع جنگ بین ایران و آمریکا: من جنگ را متصور نمی‌بینم. فکر نمی‌کنم آمریکا از خرد تهی شده باشد که درصدد جنگ با ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بربیاید که در طول تاریخ مقاومت و ایستادگی خود را در برابر متجاوزان نشان دادند.

● ضرب‌الاجل ایران برای ارائه بسته پیشنهادی اروپا: در جریان انجام مذاکرات صورت‌گرفته مشکلی نداشتیم. مذاکرات ما در سطوح مختلف ادامه پیدا کرده. در برخی از بخش‌های جزئی و فنی مسائلی باقی مانده است که کارشناسان در حال بحث و گفت‌وگو در مورد آنها هستند. ما ضرب‌الاجل و زمان مشخصی برای پایان مذاکرات نداشته‌ایم. می‌دانیم که این مذاکرات سخت و پیچیده است، علی‌رغم اینکه اراده سیاسی لازم در اروپا برای همکاری با ایران وجود دارد.